

#### یادداشت

#### اقتصاد سیاسی فرزندان

محمود صدری

ماجرای استخدام خویش‌اندان چندمقام‌کشور در نهادهای دولتی و مخالفت‌هایی که با آنها شد و در نهایت به لغو یکی از احکام استخدامی انجامید، جلوه‌ای از اقتصاد سیاسی ایران است که چندگاهی یک بار، وجهی از آن آشکار می‌شود. از این حیث، این قبیل استخدام‌ها با تحولات ارزی و تأخیر در پرداخت دستمزد کارگران چند واحد صنعتی و مشکلات بانک‌ها و بیمه‌ها و صندوق‌ها و یارانه‌ها و امثال اینها فرق محتوایی چندانی ندارند.

اینها همه پژواک‌های اقتصاد سیاسی ایران هستند و گاه خود متهمان کاستی‌ها و خطاکاران هم قربانی هستند نه مجرمانی که اندیشیده و سنجیده چنین کارهایی کرده باشند؛ زیرا:

۱- در کشوری که هم اشتغال دولتی غول‌آسا و دیوان‌سالاری آماس کرده دارد، هم جمعیت انبوه بیکاران، هر حرکتی در حوزه استخدام و اشتغال طبعاً حساسیت‌زا است. تادوده پیش که تناسب بازار کار چنین به هم نخورده بود، هزاران نفر در سطوح خرد و کلان با آشنایی و توصیه دولتمردان و مقام‌های محلی جذب مشاغل می‌شدند؛ اما چنین اعتراض‌هایی مشاهده نمی‌شد. خویش‌اندان دولتمردان قبلی، لزوماً شایسته‌تر از خویش‌اندان دولتمردان امروزی نبوده‌اند و آنجا هم لابد برخی افراد بی‌کفایت به مدد توصیه خویش‌اندان، جای شایستگان را پر می‌کرده‌اند. لیکن متقاضیان شایسته اما بی‌پشتوانه آن روزگاران، به امید فرصت‌های آتی، به مشاغلی پایین‌تر از انتظار و استحقاق خود رضایت می‌دادند و احساس نمی‌کردند شغلان توصیه‌شده جای آنان را تنگ کرده‌اند. در واقع هم آن زمان خلاف رخ می‌داد هم اکنون؛ اما اقتضای اقتصاد دولتی آن زمان که منابعش قدری فراوان‌تر بود، بر دباری و سکوت بود و اقتضای اقتصاد دولتی امروز که منابعش محدودتر شده است، ناشکیبایی و اعتراض است.

۲- اقتصاد به شدت دولتی ایران، طبعاً میدان رقابت در مشاغل خصوصی را تنگ کرده است و قهرابخش بزرگی از جوینندگان کار به ناچار نگاهشان متوجه بخش دولتی است. این جوینندگان کار ممکن است متقاضیان مشاغل ساده کارمندی و کارگری باشند یا مشاغل بلند پایه مدیریتی و سیاسی. در چنین میدانی فرزندان مقام‌های دولتی هم مانند دیگران و به شرط داشتن توانایی‌هایی در حد دیگران، حق دسترسی به مشاغل دولتی را دارند و صرف وابستگی خانوادگی به مقام‌ها، این حق را ساقط نمی‌کند. اما آنچه موجب حساسیت اجتماعی شده، فقدان سازوکارهای روشن برای شناسایی شایستگان مناصب است و خویش‌اندان مقام‌های دولتی، حتی اگر واقعاً شایسته و توانا و مستحق شغلی باشند، در معرض سوءظن قرار دارند. دولت، قوانین استخدامی مدون دارد و نوعاً هم به آنها عمل می‌شود؛ اما حتی عمل به این قوانین هم رافع بدگمانی‌های اجتماعی به پدیده‌های خویش‌اندن‌سالاری و خاصه گماری نیست؛ زیرا به قول دیوئیان کهنه کار، کتاب قانون معمولاً حجیم است و باب تأویل آن چنان باز است که بشود معیارهای شایستگی را جابه‌جا کرد و بدبختانه چنین تأویل و تفسیرهایی که راهگشای خویش‌اندن‌سالاری و خاصه گماری‌اند، باشند، گشوده است. البته روزنه‌های تَخلف هر قدر هم موم‌اندود شوند، از چشم جامعه دور نمی‌مانند. رخدادهای چند روز اخیر شاهدی است بر این مدعا.

۳- در اغلب کشورهای جهان، به دو علت اساسی و مبنایی، باب خویش‌اندن‌سالاری و خاصه گماری بسته است و حتی اگر دولتمردان بخواهند هم نمی‌توانند چنین کارهایی بکنند. علت نخست این است که میان مشاغل نظام دیوانی یا بوروکراسی و مشاغل و مناصب سیاسی، صف‌کشی روشنی وجود دارد. هر دولتی که بر سر کار باشد، بدنه کارشناسی دیوانسالاری کار خود را می‌کند و ترجیحات سیاسی حزب حاکم بر فعالیت‌های کارشناسی تأثیر تعیین‌کننده نمی‌گذارد. طبعاً در چنین حالتی، صاحبان مشاغل کارشناسی از تبعات تغییرات سیاسی بر کنارند و تغییرات محدود به مشاغل و مناصب سیاسی است. علت دیگر این است که سیاست‌ورزی هم مانند مشاغل دیگر، حرفه تخصصی انگاشته می‌شود و اگر رئیس دولت و وزیران، کار را به غیر متخصصان بسپارند در بازار قدرت بازنده می‌شوند و به همین علت هر حزب و جریانی ناگزیر است مناصب سیاسی را به کارکشتگان و ورزیدگانی بسپارد که یارای هم‌اوردی با رقبیان راداشته باشند. اما اینجا انگار مشاغل سیاسی، مسئله‌هایی فنی‌تی با پادشاهی‌های برای خاسگان هستند که مقام‌های دولتی از آنها برای تنظیم مناسبات قدرت و بده‌بستان‌های پرمنفعت استفاده می‌کنند.

#### گرانی سفره یلدا بیداد می‌کند

# جشن مصرف یا عزای مصرف‌کنندگان؟



مهدی‌الایسی، روزنامه‌نگار

در سنت آمریکایی، «بلک فرایدی» جشن شکوهمند مصرف نامیده می‌شود. بلک فرایدی یا همان جمعه سیاه به جمعه پس از روز شکرگزاری و در واقع آخرین جمعه ماه نوامبر گفته می‌شود. این روز یک روز خاص در آمریکا است که فروشگاه‌ها محصولات خود را با تخفیف‌های استثنایی به فروش می‌رسانند. بلک فرایدی ۲۰۱۸ رکورد خرید آن‌لین در آمریکا را ۲٫۱ میلیارد دلار افزایش داد؛ در این روز مردم آمریکا فقط ۶ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار خرید آن‌لین داشته‌اند. رقم فروش کلی بلک فرایدی امسال در آمریکا، بیش از ۶۰ میلیارد دلار ارزیابی شده و حدود ۱۷۴ میلیون نفر که بیش‌تر از نیمی از جمعیت آمریکا است، در حراجی‌های این رویداد شرکت داشته‌اند. برای فهم بزرگی این عدد کافی است بدانید پولی که آمریکایی‌ها در چند ساعت به حساب فروشنده‌ها ریخته‌اند، نزدیک به دو برابر درآمد نفتی کنونی ایران در یک سال است.

جشن مصرف تنها به بلک

فرایدی محدود نمی‌شود. در تمام دنیا از این قبیل جشن‌های مصرف به مناسب‌های گوناگون ملی و مذهبی بر گزار می‌شود. مراسم‌هایی که اگر چه ماهیت شادی یا عزا دارد اما پیامد آن رشد مصرف در بخش‌هایی خاص از اقتصاد است. امری موجب تحریک تقاضا و در نتیجه رونق کسب و کار مردم در یک حوزه خاص می‌شود. جشن کریسمس، جشن سال نوی یهودیان، جشن هالووین، جشن سال نوی چینی‌ها و جشن نوروز در ایران و حتی مراسم عزاداری محرم همگی بهانه‌ها و مناسبتهایی هستند که بر گزاری آن، میزان تقاضا در بخش‌های گوناگون صنایع غذایی و مصرفی را تحریک می‌کند و به صورت مقطعی، رونقی خاص برای آن بخش‌ها به ارمان می‌آورد. اقتصادها با کاهش تقاضا و کاهش مصرف، وارد رکود شده و با افزایش تقاضا و مصرف، به هر دلیل و بهانه‌ای که باشد، وارد دور‌ای از رونق می‌شوند، ولو این که آن رونق به صورت مقطعی و موقت باشد. مثلاً در ایران در آستانه جشن نوروز و سال نو، کسب و کارهایی مانند پوشاک و البسه، آجیل و خشکبار

و تنقلات و میوه فروشی‌ها رونق می‌گیرند. بازگشایی مدارس در مهر ماه موجب می‌شود کسب و کار تولید کنندگان و فروشندگان لوازم التحریر و روپوش مدارس با افزایش شدید تقاضا مواجه شود. همچنین عزاداری ماه محرم باعث رونق در فروش ملزومات عزاداری از جمله سنج و طبل و علم، پیراهن مشکی می‌شود. مصرف مواد اولیه برای غذاهای نذری مرسوم در این ماه، از جمله لپه و نخود و گوشت و مرغ نیز بار شد تقاضا مواجه می‌شود.

تمامی این جشن‌ها و مناسبت‌ها جدای از ارزش‌های ملی و مذهبی و یا نقشی که در شادی خانواده‌ها و نزدیکی یک ملت به یکدیگر دارند، از اهمیت اقتصادی نیز برخوردارند. همان گونه که گفته شد، اهمیت اقتصادی این قبیل جشن‌ها و مراسم‌ها در تحریک تقاضا، رشد مصرف و رونق مقطعی برخی صنوف و کالاهاست.

جشن یلدا که اینک در آستانه آن قرار داریم نیز یکی از همین مراسم به شمار می‌آید. شب نشینی اعضا خانواده و فامیل، همراه با خوردن تنقلات، خشکبار، آجیل و انواع میوه به خصوص هندوانه، سنت رایج در این شب است. ترکیب مواد غذایی

#### آن چه از تجربه یلدای ایرانی و موارد مشابه از جمله نوروز، به چشم می‌آید

این نکته است که این قبیل جشن‌ها، برخلاف سایر سنت‌های این چینی در دنیا، نه تنها به یک فستیوال و جشن مصرف تبدیل نمی‌شود و از تخفیف‌های آنچنانی خبری نیست، که برای عرضه کنندگان فروشندگان به فرصتی برای خالی کردن جیب خریداران تبدیل می‌شود

مورد استفاده در این شب خود گویای رشد مصرف در این بخش است. میلیون‌ها ایرانی یلدا را در کنار خانواده جشن می‌گیرند. به همین دلیل در روزهای منتهی به یلدا، تقاضا برای میوه (هندوانه، انار سیب و پرتغال) و آجیل و خشکبار به یکباره سیر صعودی به خود می‌گیرد.

رشد این چنینی تقاضا در همه جای دنیا و از جمله به هنگام بلک فرایدی و کریسمس، با کاهش شدید

قیمت‌ها و تخفیف‌های عجیب و استثنایی همراه است. این تخفیف‌ها از یک منطق روشن اقتصادی پیروی می‌کند. جهش در میزان فروش این امکان را به فروشندگان می‌دهد تا با کاستن از میزان سودی که در روزهای عادی کسب می‌کردند، نه تنها کاهش سود را از طریق افزایش مقدار فروش جبران کنند بلکه چندین برابر روزهای عادی سال نیز کسب سود کنند.

این قاعده جهان شمول اما وقتی پای به اقتصاد معیوب و بیمار ایران می‌گذارد صورتی معکوس به خود می‌گیرد. یعنی فروشندگان و عرضه کنندگان هم می‌خواهند از جهش چند برابری میزان فروش متنفع شوند هم از حاشیه سود نکاهند. نمونه عینی این ادعا را در روزهای اخیر و در آستانه یلدا شاهد هستیم به نحوی که قیمت میوه، آجیل و خشکبار در این روزها نه تنها کاهش نیافته که روند صعود نیز به خود گرفته است. در

روزهای اخیر روسای اتحادیه‌های فروشندگان آجیل و خشکبار و میوه بارها مصاحبه کرده‌اند و از تلاش‌های خود برای کنترل قیمت‌ها و نظارت برای جلوگیری از افزایش قیمت خبر داده‌اند. این در حالی است که بنا بر سنت‌های جهانی که منطق و پشتوانه دقیق اقتصادی نیز دارد، قیمت‌ها در این قبیل مواقع نه تنها نباید افزایش یابد که باید روند کاهشی به خود گرفته و

جشنواره‌ای از تخفیف‌های وسوسه برانگیز، جذاب و استثنایی را شاهد باشیم. امری که در تمام دنیا رایج و متداول است. اما در ایران وضعیت مصداق این شعر مولاناست که از قضا سرکنگبین صفرا فروزد. در ایران شب نشینی یلدا تنها جشن مصرف نیست که به عزای مصرف کنندگان و سرپرستان خانوار تبدیل می‌شود. عموماً ایرانیانی که از پشت در میوه فروشی‌ها و مغازه‌های خشکبارفروشی، متعجب و مستاصل به قیمت هندوانه و پسته و بادام و تخمه و... می‌نگرند و ناتوان از خرید هستند، گزارش‌های میدانی حاکی از آن است علی‌رغم ادعای مقام‌های مسئول، ارقام مصرفی مورد نیاز شب یلدا در روزهای اخیر از رشد ۱۵ الی ۱۰۰

جشن کریسمس، جشن سال نوی یهودیان، جشن هالووین، جشن سال نوی چینی‌ها، جشن یلدا، جشن نوروز و حتی مراسم عزاداری محرم، همگی بهانه‌ها و مناسبت‌هایی هستند که بر گزاری آن، میزان تقاضا در بخش‌های گوناگون صنایع غذایی و مصرفی را تحریک می‌کند و به صورت مقطعی، رونقی خاص را برای آن بخش‌ها به ارمان می‌آورد

درصدی همراه بوده و بیش‌ترین میزان رشد مربوط به قیمت پسته است. در برخی مناطق تهران پسته حتی مبلغ ۳۰۰ هزار تومان قیمت گذاری شده است. امری که عملاً نوجب حذف شدن این محصول خشکبار از سفره یلدای بسیاری از ایرانی‌ها شده است. در برخی مناطق جنوبی تهران نیز اگر چه آجیل در هم به قیمت کیلویی ۴۰ تا ۶۰ هزار تومان عرضه می‌شود اما به گفته رییس صنف فروشندگان خشکبار، این قبیل آجیل‌ها از کیفیتی بسیار نازل برخوردارند، بعضافت زده بوده و از نظر بهداشتی مصرف آن توصیه نمی‌شود.

قیمت انار، هندوانه و شیرینی نیز نه تنها با کاهش همراه نبوده که در برخی موارد با رشد قیمت همراه بوده‌اند. در مجموع آن چه از تجربه یلدای ایرانی و موارد مشابه از جمله نوروز، به چشم می‌آید این نکته است که این قبیل جشن‌ها، برخلاف سایر سنت‌های این چینی در دنیا، نه تنها به یک فستیوال و جشن مصرف تبدیل نمی‌شود و از تخفیف‌های آنچنانی خبری نیست، که برای عرضه کنندگان و فروشندگان به فرصتی برای خالی کردن جیب خریداران تبدیل می‌شود و ضروری است این نکته منفی را به فهرست معایب و بیماری‌های اقتصاد ایران افزود. یلدا ی ایرانی برخلاف بلک فرایدی و کریسمس، نه تنها جشن مصرف نیست که عزای مصرف کنندگان است!



عمومی دولت شود. گرچه در این بین مدیریت منابع و تامین نیاز برای هزینه‌های اداره کشور و معیشت مردم در اولویت قرار دارد و لازم است که حتی در صورت نیاز به طور منطقی از منابع ذخیره ارزی هم استفاده شود، اما مساله مورد توجه نحوه کاربرد این منابعی است که از ذخیره ارزی برداشت می‌شود که تا چه اندازه در مسیر ایجاد اشتغال، تولید و رشد اقتصادی بکار گرفته خواهد شد. از سوی دیگر

دولت تا چه زمانی قرار است حتی با کم کردن سهم نفت در بودجه‌باز هم کاهش این وابستگی را از محل درآمدهای نفتی در جای دیگر یعنی از صندوق توسعه ملی تامین کرده و درآمد جایگزینی نداشته‌ش؟

صندوق رفته بود و از سال ۱۳۹۵ که قانون برنامه ششم اجرایی می‌شد منابع جدید دیگر. اما برنامه ششم از سال ۱۳۹۶ اجرایی شد و از سویی دیگر روند قانونی بر اساس برنامه پنجم هم پیش نرفت چرا که با کاهش درآمدهای نفتی و نیاز دولت به منابع، در سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ مصوب شد تا سالانه واریزی ۲۰ درصد بوده و مازاد در اختیار دولت قرار بگیرد.

با این حال بار دیگر شرایط خاص اقتصادی و بین‌المللی موجب شده تا با کاهش درآمدهای نفتی و به تبع آن کاهش منابع در اختیار دولت، بار دیگر سهم ذخیره ارزی از محل نفت مورد اشاره قرار گرفته و کاهش پیدا کند و صرف بودجه

دولت امکان استفاده از ذخایر ارزی را تا یک دوازدهم داشته باشد، اما بعد از آنکه نظر مقام معظم رهبری بر اصلاح سهم صندوق قرار گرفت، در روزهای اخیر قرار بر این شد تا در سال آینده ۲۰ درصد از منابع ارزی به صندوق واریز شود. این در حالی است که طبق روال تعیین شده در برنامه ششم توسعه باید برای سال آینه ۳۴ درصد درآمدهای نفتی به صندوق برود؛ در برنامه ششم توسعه تکلیف شد که در سال اول ۳۰ درصد از منابع نفتی واریز و در ادامه سالانه دو درصد اضافه شود که با توجه به اینکه در سال جاری ۳۲ درصد واریزی به صندوق در قانون بودجه تکلیف شد انتظار می‌رفت برای سال بعد به ۳۴ درصد برسد.

با کاهش سقف واریزی به صندوق توسعه ملی تا ۲۰ درصد بودجه ۱۳۹۸، ۱۴ درصد کمتر از حد قانونی تعیین شده از منابع نفتی به ذخیره ارزی وارد می‌شود و این ۲۰ درصد در حد همان حداقل واریزی مصوب در قانون برنامه پنجم توسعه است که در سال ۱۳۹۰ با ایجاد صندوق توسعه ملی برای آن تعیین شده بود و باید سالانه تا سه درصد به آن اضافه می‌شد.

اگر از سال ۱۳۹۰ که واریزی سهم صندوق توسعه با حداقل ۲۰ درصد در بودجه تکلیف شد، طبق روال قانونی این افزایش انجام شده بود باید تا پایان سال ۱۳۹۴ یعنی پایان برنامه پنجم توسعه، ۳۱ درصد منابع نفتی به حساب

#### خبر

#### حذف ۱۴ درصد سهم صندوق توسعه ملی

## بودجه باز هم ذخیره ارزی را برد

شرایط خاص حاکم بر بودجه ۱۳۹۸ موجب شد تا سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی بار دیگر در خلاف مسیر قانونی قرار گیرد و ۱۴ درصد از منابعی که باید ذخیره می‌شد در اختیار دولت گذاشته شود. در این بین گرچه تأکید بر این است که سهم نفت در بودجه سال آینده کم شده ولی در واقعیت کاهش وابستگی چندانی به نفت انجام نشده و ارزش متعلق به صندوق بار دیگر به بودجه اضافه شده است.

بعد از آنکه در ۱۵ آذر ماه دولت لایحه بودجه ۱۳۹۸ را در نبود نمایندگان به مجلس فرستاد و قرار شد که بعد از اتمام تعطیلات مجلس، رئیس‌جمهور لایحه را رسماً ارائه کند، در میانه راه بحث اصلاح پیش آمد و بر کاهش هزینه‌هایی که دولت در ردیف‌های هزینه‌ای قرار داده بود، تأکید شد. یکی از تبصره‌های لایحه بودجه که حتی قبل از نهایی شدن لایحه نیز مورد بحث قرار داشت، سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی بود؛ به طوری که با توجه به کاهش درآمدهای نفتی در سال آینده این پیش‌بینی وجود داشت که دولت پیشنهاد کاهش سهم واریزی به صندوق را ارائه کند که این گونه نیز بود.

ظاهراً دولت دو پیشنهاد ۱۰ درصد و ۳۴ درصد را در لایحه‌ای که ۱۵ آذر ماه به مجلس برد، مطرح کرده بود و این گونه مدنظر بوده که اگر ۳۴ درصد قانونی مصوب شود